

تشکل های مستقل صنفی - توده ای کارگران ، پاسخ وضعیت آشفته جنبش کارگری است !

اعتراف می کنند که آن توسط وزیرکار جدید و جبهه مشارکت اسلامی بوجود آمده و قرار است به جنبش کارگری تحمیل شود. نیرنگ جدید حکومت ، کشاندن جنبش کارگری در درگیری جناح ها و باندهای حکومتی است که اولاً از اعتراضات به حق کارگران برای گرفتن سهم بیشتر در حکومت استفاده ابزاری کنند و ثانیاً از همه مهم تر مانع از شکل گیری تشکل های واقعی کارگران شوند.

تشکل مستقل کارگری مشخصات ویژه خود را دارد. این تشکل باید اساسنامه اش ، اهدافش ، وظایف و اختیاراتش ، انتخابات آزاد و نحوه فعالیت آن بدون هیچ گونه دخالت غیرکارگری و فقط توسط خود کارگران از طریق فراخوان به مجامع عمومی در سطح شهرها و سرانجام سراسری در سطح کشور پا بگیرد و منتخبین این تشکل ها باید خود کارگران باشند نه نمایندگان مجلس شورای اسلامی مانند محبوب ، کمالی ، سرحدی زاده ، جلودارزاده ، نصیری و ... ، نه تشکل های وابسته به حکومت مانند خانه کارگر ، انجمن ها و شوراهای اسلامی کار ، کانون عالی انجمن های صنفی کارگری یا شورای ائتلاف انجمن های صنفی کارگری و نه احزاب حکومتی مانند حزب اسلامی کار ، حزب اسلامی رفاه کارگران ،

جبهه مشارکت اسلامی ، حزب کارگزاران و ... ، که خود را مثل بختک بر روی مبارزات حق طلبانه کارگران ایران پهن کرده اند. این نمایندگان مجلس و تشکل های حکومتی که به نام کارگران و به نفع حکومت و سرمایه داران فعالیت می کنند و احزاب حکومتی که سعی در تحمیل خود در میان صفوف کارگران را دارند نه تنها نمایندگان کارگران نبوده ، بلکه از آمرین سیاست های ضدکارگری می باشند. این ها همه یک هدف مشترک دارند. آن ها نمی خواهند که تشکل های صنفی - توده ای کارگران شکل بگیرد. چراکه به خوبی می دانند : "اگر در را کمی باز کنند ، طوفانی به پا خواهد شد که ساختار فرسوده حکومت شان را از جا خواهد کند!"

کمیسیون کارگری
سازمان اتحاد فداییان خلق ایران

طریق تطبیق دادن ساختار و قوانین جوامع پیرامونی با آیین نامه های نهادهای بین المللی که توسط کشورهای مرکز به رسمیت شناخته شده اند ، حضور جنبش های اعتراضی وسیع اقشار مختلف مردم چون دانشجویان ، زنان ، معلمین ، اساتید دانشگاه ها ، روزنامه نگاران ، نویسندگان ، پرستاران و پزشکان و تهیدستان شرایطی را به وجود آورده است که کارگران



در پیوند با دیگر جنبش ها در جهت تحقق تشکل یابی مستقل خود بکوشند که تاخیر و غفلت از آن می تواند جبران ناپذیر باشد. با وجود حرکات اعتراضی وسیع و سراسری کارگران در صنایع و کارخانجات مختلف شهرهای ایران و بی اعتباری خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار در میان کارگران و عدم پذیرش آن توسط سازمان بین المللی کار ، بار دیگر حکومت اسلامی درصدد ایجاد تشکل های جدیدی به نام کارگران تحت عنوان "کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران" می باشد تا در غیاب نمایندگان واقعی کارگران ، هم خلا قانونی تشکل های مستقل کارگران را بپوشاند و هم این که مورد پذیرش سازمان بین المللی کار واقع گردد. ماهیت غیرکارگری این تشکل تازه تاسیس آن قدر روشن است که حتی رقبای حکومتی اش هم

رژیم های استبدادی تحمل شنیدن صدای غیر از صدای خود را ندارند و به تبع آن هیچ تشکل مستقل صنفی - توده ای مستقل از خود را بر نمی تابند. رژیم جمهوری اسلامی هم از این قاعده مستثنی نیست. رژیم مذهبی حاکم در ایران همواره با ایجاد تشکل های حکومتی در میان جنبش های طبقاتی - اجتماعی و سرکوب شدید این جنبش ها مانع از شکل گیری و سازمان یابی مستقل این نیروها شده است.

با این وجود طبقات و گروه های اجتماعی هرگز از تلاش و مبارزه برای طرح و دستیابی به مطالبات صنفی و اجتماعی خود دست برنداشته است. معضل اصلی در به ثمر نرسیدن این مبارزات فقدان تشکل های مستقل صنفی - توده ای است که بتواند نیروهای جنبش را در مقابل حکومت سرمایه داران و رانت خواران بسیج کند. ماندگاری جنبش های اجتماعی و دستیابی به مطالبات طرح شده توسط آن ها به آگاهی و

مبارزات مستقل و در تکوین خود ایجاد تشکل های مستقل بستگی دارد و بدون وجود چنین سازمان یابی ، هیچ ضمانتی برای حفظ دستاوردهای تاکنونی مبارزات آن ها نیز وجود ندارد.

جنبش کارگری در ایران پس از دو دهه مبارزات عمدتاً خودجوش و پراکنده عملاً به این نتیجه رسیده است که پاسخ وضعیت آشفته کنونی در جنبش کارگری همانا ایجاد تشکیلات مستقل سراسری کارگران است که بتواند جنبش کارگری درخود را به طبقه ای سازمان یافته برای خود تبدیل کند و موقعیت خود را در معادلات سیاسی و طبقاتی تحولات آینده جامعه ایران ارتقا داده و نقش موثری را در روندهای اجتماعی به نفع کل جامعه ایفا کند.

بیزاری و نفرت عمومی اکثریت قاطع مردم ایران از نظام مذهبی حاکم ، پروسه جهانی سازی از